

حقوق « اطفال بز هكار »

اصل هشتم « اعلاميه حقوق كودك » كه در سال ۱۹۵۹ ميلادى به اتفاق آراء به تصويب مجمع عمومى سازمان ملل متحد رسيده است ميگويد :

« كودك در هر مورد بايد جزء نخستين »
« افرادى باشد كه آثار حمايت و تقويت ميكنند. »

پديده خطا و بز هكاري كودكان و نوجوانان و گسترش آن، مسئله اى ساده نيست و نبايد بى اهميت شمرده شود هم اكنون تهران و ساير شهرهاى ايران از خطر جناياني كه بدست نوجوانان انجام ميگيرد، برخوردار نيستند. اين نكته خطرناك است كه اگر كمي « تعقل » داشته باشيم بايد طنين آن را چون ناقوس مرگ تلقى كنيم ولي باري، قواعد و قوانين مربوط باطفال بز هكار و تروايب معاكه آنها و راه و روش كيفر و تاديب آنان ، درد نياي كنوني و كشورهاي مترقي ، جائي خاص در « حقوق » ملتها يافته و رهبران دلبوز و خردمند آنان همواره در مقام تكميل و تقويت آن هستند ولي متاسفانه در كشور ما همچون بسياري از ساير رشته هاي حقوقي و اجتماعي، توجه لازم بآن نشده است! تا جائيكه قانون « دادگاه اطفال بز هكار » با همه اشتباهات و كمبود هالي كه دارد هنوز در مرحله عمل نيامده است و با اينكه در حدود دو سال قبل آئين نامه آن تنظيم و تصويب گرديده ولي باز هم هنوز « دادگاه اطفال » حتي يك بار، تشكيل نگرديده و اثرى هم كه شنين نويني بدهد، ديده نميشود و معلوم نيست با اينهمه غوغا بعنوان اصلاح دادگستري اجرا و چگونگي آن مسئله مهم را حتي بصورت ظاهر، عنوان نمي سازند تا دست كم فعلا نام آن « فراموش نگردد!! »

ما در اولين شماره « حقوق امروز » مقاله خاصي زير عنوان : « با كودكان خطاكار چه بايد كرد ؟ - چرا براي اطفال دادگاه مخصوصي بوجود مي آيد؟ » نوشتيم و مصرا نه خواستيم كه متصديبان، با اين امر مهم توجه نمايند ولي گولي نه لا ميخوانند و نه لا ميخواهند بخوانند !! از اين بيعدليز در هر شماره بحثي علمي (روانشناسي جنايي - حقوقي - اجتماعي) در اين زمينه خواهيم داشت و كوشش شده است اين مقالات بزباني ساده نوشته شود تا هم مورد استفاده قضات و وكلا و صاحب نظران علاقمند قرار گيرد و هم پدران و مادران و مربيان و بطور كلي روشنگران شريفى كه نگران سر نوشت فرزندان اين آب و خاک اند، از آن بهره مند گردند .

« حقوق امروز »

از : دكتور حسن غفوري

تحويلات جديد در قوانين مربوط به صغار مجرم

تا قبل از قرن هيجدهم اطفال از نظر جزائي وضع اسف انگيزي داشتند ، بخصوص قانونگذار اروپايي گوتى بلكي تفاوت بارزي كه بين اطفال و بزرگسالان وجود داشت از خاطر دور داشته و مسئله « صغر » را بلكي فراموش کرده بود . تقريباً در مورد اطفال همان روشي بكار ميرفت كه براي اشخاص كبير پيش بيني شده بود . كمك باطفال اغلب جنبه خصوصي داشت و بيشتر اشخاص خير و نيكو كار بودند كه بحمايت آنان برمىخواستند .

براي اولين بار در سال ۱۶۵۲ پارلمان پاريس بنا بر فرماني، ثروتمندان پاريس را موظف نمود كه نسبت باطفال بى سرپرست كمك نموده و از آنها دستگيري نمايند ، اين تصميم تقريباً

در سال ۱۶۱۶ در سراسر کشور فرانسه بموقع اجراء گذاشته شد و برای معالجه و مداوای اطفال بی بضاعت، مریضخانه هائی مانند سنت ماری (۱) درمونپلیه (۲) و سن اسپری (۳) در ماری (۴) تحت نظارت کلیسا و دولت ایجاد گردید. از سال ۱۶۳۸ به بعد سن پل ونسن (۵) برای حمایت اطفال بی پناه و بی سرپرست اقدامات وسیع و قابل تحسینی بعمل آورد و مریضخانه « اطفال سر راهی » را در سال ۱۶۴۸ تأسیس نمود که بعداً در سال ۱۶۷۰ رسماً بوسیله دولت شناخته شد و مورد تأیید قرار گرفت، و در واقع با این مقدمات برای توسعه تدریجی بنگاه های خیریه خصوصی قدمهای مؤثری برداشته شد. در خلال این مدت دربار فرانسه نیز دست با اقدامات خیرخواهانه ای برای کمک با اطفال بی سرپرست زد و برای حمایت اطفال شیرخوار تأسیساتی بوجود آورد. از طرف دیگر، در این دوره با آنکه مسئله حمایت اطفال کمتر مورد توجه صاحب نظران بود، ولی نویسندگان و فیلسوفانی نظیر، رابله (۶)، لاک (۷) و سن سیمون (۸) وضع اسفانگیز اطفال و ستمکاریهایی که نسبت با آنها روا میداشتند، سخت مورد اعتراض و انتقاد قرار دادند، و عده ای از حقوقدانان نیز با آنان تأسی نموده و بروشن ساختن اذهان نسبت بوضع تأثر آور صفا رکنکهای مؤثری نمودند.

موضوع حمایت اطفال که بعد از قرون وسطی کم و بیش مورد توجه واقع شده بود از قرن هیجدهم بتدریج دارای ارزش و اهمیت بیشتری گردید، برای آنها تشکیلات کمکی بوجود آمد، در مورد اطفال بی سرپرست و یا اطفالی که از خانواده طرد شده بودند مؤسسات حمایتی ایجاد گردید و بخصوص بنگاههای خیریه خصوصی توسعه زیادی پیدا کرد، در سال ۱۷۹۰ یکی از کمیته های خیریه (۹)، کمک و حمایت اطفال را از وظائف دولت پیش بینی و اعلام نمود و قانونی در ۲۴ اوت همین سال برای رسیدگی بوضع اطفال خطاکار و نامنظم دادگاه های فامیلی، را بوجود آورد، این محکمه که از ۶ تا ۸ نفر از اعضاء خانواده، دوستان یا همسایگان فامیل تشکیل میشد میتواند در مورد اطفال تصمیمات مقتضی اتخاذ نماید و حتی اجازه داشت که در صورت لزوم آنها را برای مدت یکسال تحت بازداشت قرار دهد. ولی این قانون هیچگاه جامه عمل نپوشید. کنوانسیون نیز در سال ۱۷۹۳ بنا بر décret-Loi ۲۸ ژوئن برای اطفال بی سرپرست و ترک شده از طرف خانواده، تصمیمات حمایتی خاصی اتخاذ کرد و مراکزی برای مداوای اطفال بیمار و مؤسساتی برای نگاهداری آنها در ییلاق پیش بینی نمود. ولی این قانون نیز مانند سایر تصمیمات متخذه صورت خارجی پیدا نکرد. در واقع اولین اقدام مؤثر و عملی را

- (1) Ste. Marie
- (2) Montpollier
- (3) St. Esprit
- (4) Marseille
- (5) St. Paul Nincent
- (6) Rabelais
- (7) Lake
- (8) Saint Simon
- (9) Comité de Mendicité

ميبايد در قوانين حمايتي كشورهاي متحده آمريكاي شمالي جستجو كرد، تا زوني اولين كشوري بود كه اساس اوليه دادگاههاي مخصوص اطفال را پايه گذاري نمود، و اولين دادگاه اختصاصي اطفال در سال ۱۸۷۸ در ايالت ماساشوست (۱) بوجود آمد، در دادگاههاي مزبور، قاضي خاصي براي رسيدگي بجرائم اطفال پيش بيني شد، هدف از انتخاب قاضي اختصاصي اين بود كه با شناسائي عميق شخصيت و خصوصيات اخلاقي و روحي طفل، قاضي بتواند تدابير تربيتي مناسب اتخاذ نمايد و در همين سال بنا بر فرمان «Probation Act» در ايالت ماساشوست اساس سيستم يروباسيون «آزادي آزمايشي يا بنا باصطلاح كشورهاي لاتن: آزادي (۲) مقيد» در مورد اطفال برقرار گرديد.

بريتانياي كبير به پيروي از سيستم كشورهاي متحده در سال ۱۹۰۵ دادگاههاي مخصوص اطفال را پيش بيني و ايجاد نمود.

درفرانسه اولين طرح دادگاههاي اختصاصي اطفال در سال ۱۹۱۲ بوسيله قانون ۲۱ ژوئيه پيش بيني شد و محاكم «اطفال و بزرگسالان» را پايه گذاري نمود. اين قانون سپس در سال ۱۹۴۵ با تصويبنامه ۲ قوريه و قانون ۲۴ مه ۱۹۵۱ و بالاخره تصويبنامه هاي ۱۹۵۸ مراحل تكاملی را طی نموده و در حال حاضر برای مراحل مختلف دادرسی صفار در فرانسه چهار محكمه متفاوت وجود دارد:

— قاضي اطفال.

— دادگاه اختصاصي اطفال.

— ديوان جنائي صفار.

— شعبه اختصاصي محكمه استيناف.

محاكم اختصاصي صفار در بلژيك در سال ۱۹۱۲ پيش بيني شد و سيستم آن تقريباً شبیه سيستم دادگاههاي فرانسه ميباشد و از يك قاضي اختصاصي تشكيل گرديده است.

در سويس و آلمان در سال ۱۹۱۳، در يونان در سال ۱۹۲۴، در نروژ و آلمان در سال ۱۸۹۶ تأسيس محاكم خاص اطفال، قانوني و بمرحله عمل گذاشته شد.

در كشورهاي اسكانديناوي سيستم خاص دادگاههاي اداري براي رسيدگي بجرائم صفار پيش بيني شده و قسمت مهمي از اختياراتي كه در كشورهاي ديگر دادگاههاي قضائي نسبت بصفار دارند، در اين كشورها سازمانهاي اداري تعلق گرفته است، مثلاً در سوئد شوراي حمايت اطفال با امور مربوط بصفار تا ۱۸ سال رسيدگي ميكند كه اعضاي آن عبارت خواهند بود از: يك كشيش پرستار، يك معلم، يك نفر پزشك و دو نفر از كسانيكه نسبت با امور حمايتي اطفال علاقمند بوده و از اين نظر خدماتي انجام داده باشند و البته حتي المقدور بايد يكي از اعضاء شوراي مزبور از بين زنان انتخاب شود.

در كشور دانمارك طرح دادگاههاي اطفال در سال ۱۹۰۵ پيش بيني و مانند ساير كشورهاي

(1) Massachussets

۲- Liberté surveillée.

اسکاندیناوی تابع سیستم دادگاههای اداری اطفال خواهد بود .
 درحقیقت با برقراری دادگاههای اختصاصی در اغلب کشور ها، سیستم جزائی اطفال بکلی صورت دیگری بخود گرفته و بخصوص در بیشتر قانونگذارها عدم مسئولیت جزائی صغار تا ۱۸ سالگی مورد قبول واقع شده است و بیشتر از آنکه بمسئله مجازات و ارباب توجه شود، تدابیر مختلف حمایتی و تربیتی برای کمک و اصلاح اطفال پیش بینی گردید ، و با توجه بنظریه جدید جرم شناسی که جرائم اطفال را معلول يك سلسله علل و حوادث اعم از فردی یا اجتماعی میدانند ، قوانین جدید بیشتر بر پایه تدابیر حمایتی و بخصوص پیشگیری از عواملی که موجب ارتکاب جرم میشوند، مانند عوارض و عقده های روانی ، فقر، زندگی در محل های نامناسب ، اختلافات خانوادگی، معاشرتهای زیان بخش، استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدره و... بوده و کوشش میشود که حتی المقدور از ایجاد رابطه و تماس طفل با محیطهایی که ممکن است نتیجتاً منتهی بسقوط وی شود جلوگیری بعمل آید .

قوانین حمایتی که امروزه در اغلب کشورها بچشم میخورد همه دارای يك سلسله نکات مشترك و هم آهنگ بوده که در واقع بر پایه ؛ ساده کردن تشریفات محاکمه، توجه بشناسائی شخصیت طفل، جایگزین کردن تدابیر تربیتی و حمایتی بجای مجازات. و بالاخره وضع قوانین حمایتی و کمکی نسبت بحمايت از خانواده، جلوگیری از بسط مراکز فساد، کنترل مطبوعات زیان بخش و فیلم های مضر و تبلیغات خلاف اخلاق ، ایجاد تأسیسات بهداشتی و... خواهد بود.
 البته باید یاد آور شد که در قوانین مربوط بصغار، تقریباً در تمام کشورهای مترقی، تنها اطفال مجرم را در نظر قرار نداده، بلکه در بسیاری از موارد قوانین و مقررات تہذیبی و حمایتی شامل اطفال در معرض خطر سقوط اخلاقی نیز میشوند، چون کشف عوارض و مراحل قبل از ارتکاب جرم درباره صغار «مجرمیت در حال کمول» و پیشگیری از جرائم، امروزه مسائلی هستند که بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و بخصوص در کشورهایی که از نظر حقوق اطفال مراحل و مدارج کمال را طی مینمایند این مسائل درحقیقت محور بررسی ها و مطالعات آنان قرار دارد ، که البته امید است در شماره های آینده بتوانیم با خوانندگان گرامی «حقوق امروز» درباره این مسائل تحت عنوان «جرم شناسی و حقوق اطفال» گفتگو کنیم.

سن «مسئولیت کامل جزائی» صغار در کشورهای مختلف

* * * * *

سن مسئولیت جزائی صغار در تمام قانونگذارها یکسان پیش بینی نشده و بر حسب شرایط اجتماعی، آداب و رسوم و آب و هوا در کشورهای مختلف، متفاوت است و البته تحولاتی را بموازات سایر تحولات حقوقی بشر، طی نموده است.

قبلاً تا حدود زیادی سن جزائی تحت تأثیر شرایط طبیعی و رسیدن طفل بسن بلوغ بود، مثلاً در کشورهای سردسیر که اطفال دیرتر بسن بلوغ میرسند، سنین جزائی آنها بالاتر از صغاری که در مناطق گرم سیر بوده و زودتر بالغ میشوند قرار داشت ولی در حال حاضر با کمی نوسان «تقریباً» سن جزائی در تمام کشورها در یک سطح قرار گرفته است.

نمودار زیر سن «مسئولیت کامل جزائی» را در کشورهای مختلف نشان میدهد:

سن مسئولیت جزائی	نام کشور	سن «مسئولیت جزائی»	نام کشور
قانگذار سویس بین اطفال و جوانان تفاوت قائل شده صغار ۶ تا ۱۴ ساله را جزء اطفال و ۱۴ تا ۱۸ ساله را جزء نوجوانان محسوب داشته است.	} سویس	۱۸ سال	فرانسه
		« «	ایتالیا
		« «	آلمان غربی
		« «	دانمارک
		« «	نروژ
		« «	هلند
سن جزائی صغار در کشورهای متحده آمریکای شمالی بر حسب ایالات مختلف متفاوت است و بین ۱۶ تا ۱۸ سال تغییر میکند، ولی در اکثر ایالات ۱۸ سال ملاک قرار داده شده و در ایالاتی که ۱۶ سال هنوز سن جزائی محسوب میشود در صدد هستند که آنرا تا ۱۸ سال بالا ببرند.	} آمریکای شمالی	« «	ونزوئلا
		« «	ایران
		۱۷	انگلستان
		۱۶	بلژیک، قبل از فرم اخیر



اختیارات قانونی يك قاضی به تحقیق از قدرت من زیادتر است.

«نابلغون»